

# مردم‌نگاری خانواده

تالیف

دکتر مرتضی منادی



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۳۹۵

سرشناسه : منادی، مرتضی، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور : مردم‌نگاری خانواده/تالیف مرتضی منادی.

مشخصات نشر : تهران: آوای نور، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۱۹۲ص: جدول.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۱۲۱-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : خانواده‌ها -- ایران

رده بندی کنگره : HQ۴/۶۶۶/م۸م۴ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۸۵۰۹۵۵/۳۰۶

شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۵۰۰۵۵

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید وحید نظری،  
پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶ و ۶۶۹۶۷۳۵۵ / نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲

---

## مردم‌نگاری خانواده

تالیف: دکتر مرتضی منادی

صفحه آرا: منیرالسادات حسینی

چاپ: دوم ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۱۲۱-۴

---

قیمت ۱۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است



## فهرست مطالب

پیشگفتار .....	۹
مقدمه .....	۱۵
فصل اول: روش جمع‌آوری اطلاعات .....	۲۱
مقدمه .....	۲۱
جوانان و خانواده .....	۲۵
روش تجزیه و تحلیل اطلاعات .....	۳۲
فصل دوم: چارچوب نظری .....	۳۵
الف: سرمایه‌ها .....	۳۶
ب، نظریه عادت واره .....	۴۰
نظریه جامعه شناختی تحلیل نهادی .....	۴۳
ج، نظریه عمل .....	۴۶
د: هویت .....	۴۸
م: قدرت .....	۵۰
فصل سوم: مردم‌نگاری خانواده .....	۵۳
مقدمه .....	۵۳
پرسش‌ها .....	۵۷
الف: تأثیر خانواده .....	۵۸
ب: شیوه‌های تربیتی .....	۶۲
یافته‌های پژوهشی .....	۶۴
۱- رابطه دمکراسی یا همکارانه یا مشارکت جوانه .....	۶۵
۲- رابطه بر پایه آزادی .....	۶۶
۳- رابطه استبدادی .....	۶۷

۶۷	.....	استبداد مستقیم
۶۸	.....	استبداد غیر مستقیم
۶۸	.....	استبداد غیر مستقیم شرطی
۶۹	.....	استبداد غیر مستقیم استدلال گرانه
۷۰	.....	ج: شخصیت
۷۲	.....	شخصیت مجری، بازیگر، خالق
۷۹	.....	د: فرهنگ یا سبک زندگی
۸۲	.....	م: قدرت زن یا مرد
۹۰	.....	بحث و نتیجه گیری
۹۷	.....	<b>فصل چهارم: تاثیر فرهنگ زمانه بر شخصیت و هویت فرهنگی</b>
۹۷	.....	مقایسه سه نسل
۹۷	.....	مقدمه
۱۰۰	.....	پرسش ها
۱۰۱	.....	چارچوب نظری
۱۰۱	.....	جامعه پذیری
۱۰۲	.....	شخصیت
۱۰۴	.....	ساختن اجتماعی خود
۱۰۶	.....	هویت اجتماعی
۱۰۸	.....	فرهنگ
۱۱۰	.....	شخصیت، هویت و فرهنگ
۱۱۱	.....	روش پژوهش
۱۱۳	.....	یافته ها
۱۱۴	.....	الف: زمانه پدربزرگ ها، مادربزرگ ها و والدین
۱۱۷	.....	ب: زمانه فرزندان
۱۱۸	.....	ج: تاثیر فرهنگ زمانه بر نسل ها
۱۱۹	.....	د: همگرایی و واگرایی بین نسل ها

۱۲۰	وضعیت اقتصادی و سطح تحصیلات سه نسل
۱۲۱	شکل خانواده سه نسل
۱۲۴	مذهب سه نسل
۱۲۶	وضعیت روحی روانی و فرهنگی سه نسل
۱۲۷	اخلاقیات و شیوه زندگی سه نسل
۱۳۰	چایگاه زن و مرد در سه نسل
۱۳۱	چایگاه موسیقی نزد سه نسل
۱۳۱	موفقیت از منظر سه نسل
۱۳۲	فرد گرایی یا جمع گرایی نزد سه نسل
۱۳۶	نتیجه گیری
۱۳۷	چه باید کرد
۱۳۹	<b>فصل پنجم: بررسی انسان‌شناسی تحول ازدواج در ایران</b>
۱۳۹	مطالعه مردم‌نگارانه زوج‌هایی در تهران
۱۳۹	مقدمه
۱۴۲	پرسش‌ها
۱۴۲	چارچوب نظری
۱۴۲	جامعه‌شناسی عمل‌بورديو
۱۴۵	نظریه جامعه‌شناختی تحلیل نهادی
۱۴۸	روش پژوهش
۱۴۹	یافته‌های پژوهش
۱۵۲	تداوم زندگی مشترک
۱۵۵	بحث و نتیجه‌گیری
۱۵۷	استحکام زندگی مشترک
۱۶۰	عوامل تضعیف زندگی مشترک
۱۶۴	ازدواج مدرن یا ازدواج سنتی
۱۶۶	نتیجه‌گیری نهایی

۱۶۹	..... تحول خانواده در عصر جهانی شدن
۱۷۲	..... اپیدمی طلاق
۱۷۷	..... چه باید کرد؟
۱۸۱	..... منابع فارسی
۱۸۹	..... منابع فرانسوی



## پیشگفتار

در سال ۱۳۷۱ در حالی که فوق لیسانس خود در رشته جامعه شناسی آموزش و پرورش در دانشگاه سوربن را به پایان رسانده و قرار بود که دکتری خود را با همان استاد در مهرماه آغاز کنم، موضوع تز دکترایم بررسی روش تدریس معلمین در مدارس متفاوت غیر انتفاعی (طبقه نسبتاً مرفه مادی) و دولتی (طبقه محروم مادی) بود. در این سال قصد داشتم جهت جمع‌آوری اطلاعات یک سال ساکن ایران باشم. روش مورد بررسی، ابتدا مشاهده تعدادی کلاس مقطع راهنمایی دخترانه و پسرانه و سپس مصاحبه با تعدادی دانش آموز و معلم بود. به پیشنهاد انسانی فاضل و وارسته گفتگو با سه استاد در حوزه تعلیم و تربیت را برایم مهیا کرد که این نشست‌ها نخست، چندان مشوق اینجانب برای اینگونه موضوعات و بخصوص این نوع روش‌ها نبودند و آن را بدیهی می‌دانستند. دوم، زمانی که از سویی، بحث مشاهده در کلاس‌ها مطرح شد، امکان شرکت یک مرد در کلاس‌های دخترانه را منتفی دانستند. از سوی دیگر، پرسش‌های مورد نظر را به یکی از مسئولین نهاد آموزش و پرورش نشان داده و ایشان با خیلی از پرسش‌ها مخالفت کردند و معتقد بودند که این نوع پرسش‌ها می‌تواند اطلاعاتی را در اختیار دشمنان نظام گذاشته و آنها از این اطلاعات سوء تعبیر یا سوء استفاده خواهند کرد. لذا خود را در مقابل مشکلات و موانع جدی دیدم و از طریق مکاتبه و تماس تلفنی با استادم مشورت داشتم که راه حل دیگری را برگزینم.

در همین ایام شرکت در مجلس جشنی که پس از اتمام مجلس رسمی، مجلسی در منزل خانواده عروس برگزار شد و اینجانب به آن مجلس دعوت شده و مشاهده مناظری من را به سمت مطالعه جوانان سوق داد. این مناظر شامل نخست، حمل کراوات توسط تعدادی از جوانان زیر ۳۰ سال، دوم، وجود کنسرت زنده موسیقی،

## بیشگفتار ■ ۱۰

سوم، رقص تعدادی از جوانان و نکات دیگر، که بعد از حدود بیست و اندی سال از انقلاب گذشته بود، برای من تعجب برانگیز و تعمق بر انگیز بود. بنابراین، اولین اقدام بررسی جوانان به شکل جدی در برنامه‌های مطالعاتیم قرار گرفت. در هر موقعیتی که جوانی را مشاهده می‌کردم یا ملاقات می‌کردم، گفتگویی را با آنها برقرار کرده و اطلاعاتی را بدست می‌آوردم. لذا خیلی سریع تصمیم گرفتم نخست، چارچوب این گفتگوها را سازمان داده، دوم، پرسش‌هایی دقیق را فراهم کرده و در نهایت، بعد از هر گفتگو پرونده‌ای را شامل کلیه اطلاعاتی که از این جوانان بدست آورده بودم، تهیه کردم تا بتوانم با تحلیل دقیق این اطلاعات واقعیت جامعه را در مورد جوانان بیشتر و بهتر فهم کنم.

بدین منظور، از سال ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۳، با بیش از صد جوان دختر و پسر، در سنین بین ۱۶ الی ۲۵ سال به صورت مردم نگاری<sup>۱</sup> (منادی، ۱۳۸۶) برخورد کرده یعنی، در مکانهای مختلف اجتماعی و عمومی شامل: خیابان، پارک، تاکسی، اتوبوس، مجالس خانوادگی مانند: عروسی و عزا، گفتگوهائی دوستانه با جوانان بدون ضبط کردن، یا یادداشت برداشتن، داشتیم. بعد از هر برخورد کلیه گفتگوها یادداشت می شدند. به طوری که برای هر فرد یک پرونده مجزا تشکیل شد.

همچنین، در یک مقطع زمانی در سالهای ۱۳۷۶ الی ۱۳۷۸ با تعداد ۲۲ جوان ۱۷ الی ۲۳ ساله که به صورت هدفمند (جوانانی با ایده‌های متفاوت و از طبقات مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که به کمک دوستان و آشنایان یافتیم) انتخاب شدند، مصاحبه‌هایی به صورت ضبط کردن گفتگوها صورت گرفت. این مرحله، هم برای تایید اطلاعات جمع آوری شده مصاحبه‌های مردم نگاری قبلی و هم برای فهم فرهنگ تازه جوانها نسبت به قبلی‌ها انجام شد.

---

<sup>۱</sup> Ethnographie

در همین ایام (۱۳۷۶ الی ۱۳۷۸) بیش از ده مورد کار مشاوره با جوانان نیز، داشته ایم.<sup>۱</sup> در هر مورد بین ۲ تا حداکثر ۸ جلسه مشاوره انجام شده و زمان هر جلسه، از یک تا مواردی ۳ ساعت بطول انجامیده است. در مجموع، نزدیک به صد ساعت زمان صرف شده است. در این مورد نیز برای هر جوان پرونده ای مجزا تشکیل شد تا به وضعیت روانی و هویتی او رسیدگی، مطالعه و بررسی بشود.

در سالهای ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۴ مجدداً به مطالعه مردم نگاری روی آورده و این بار به دنبال شناخت تغییر افکار و رفتار جوانان بوده ایم. در این مرحله از افکار و نظرات دانشجویان خود در گذر از پژوهش‌های کلاسیشان نیز (جهت تایید یا تفاوت نتایج پژوهش خود) بهره برده ایم.

بعد از جمع‌آوری و تهیه تعداد زیادی پرونده و یک تحلیل سطحی و کلان از آنها (در هر مقطعی از جمع‌آوری اطلاعات، از جمله در اولین برداشت‌ها این تحلیل‌ها صورت می‌گرفت)، در این بین یک پرسش کلیدی ذهنم را مشغول کرد. چه منبعی و کدام منبع جوانان جامعه را نسبت به بقیه منابع بیشتر تحت تأثیر قرار داده که آنان افکار، اندیشه، عقاید، رفتار، ذائقه و سلیقه‌ای متفاوت از خواست فرهنگ جامعه و اکثریت والدین که افرادی مذهبی بودند و نهاد آموزش و پرورش که رسماً مبلغ دین و ارزش‌های انقلاب است، و حتی فرهنگ رسانه ملی و نهایتاً خواست مسئولین جامعه، دارا هستند؟ برای تعدادی از این جوانان امکان دیدن، گفتگو کردن با والدینشان پیش آمد. در مواقعی هم بر عکس، والدینی پس از آشنایی و برخورد مورد مطالعه قرار گرفتند و تلاش شد تا با یکی از فرزندان آنها نیز گفتگوهایی صورت بگیرد.

از این رو، از همان اوائل، تصمیم گرفتیم تا به همان شیوه کیفی منابع موجود پیرامون جوانان را در بین سالهای ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۲ و سپس از سالهای ۱۳۷۶ به بعد

---

<sup>۱</sup> در ابتدا کمک به یک پسر جوان که در یک حالت به هم ریختگی روانی قرار داشت، باعث ارسال و آمدن چند دختر و پسر جوان دیگر در ابتدا جهت راهنمایی و مشاوره و سپس به حل مشکلات ارتباطی، روانی و فرهنگی آنان منجر شد.

مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار بدهیم. تقریباً به طور همزمان منابع موجودی که جوانان در ارتباط و در گذر از آنها بودند را مورد مطالعه قرار دادیم.

الف، نهاد آموزش و پرورش: سه بخش کتب درسی، معلمین و مدیران، و فضای مدرسه ملاک مطالعه اینجانب واقع شدند. یک مرور سطحی در سطح توزیع کتابهای درسی مقاطع مختلف جهت شناخت نسبی فرهنگی که در آنها مطرح است، انجام دادم. در این بخش طبیعتاً به کتابهایی غیر از ریاضی و فیزیک که ابعاد فرهنگی را بتوان در آنها مشاهده و بررسی کرد مانند، ادبیات، بینش، اجتماعی و غیره، انتخاب کردم. به کمک آشنایان و دوستان از چند مدرسه غیر انتفاعی و دولتی دیدن کردم تا شکل ساختمان، وضعیت کلاسها، حیاط مدرسه، تبلیغات در و دیوار را از نزدیک ببینم. با چند مدیر از نزدیک گفتگو کردم. با چند معلم از مقاطع تحصیلی مختلف بحث و گفتگوهای عمیق داشتم که تعدادی از این گفتگوها بعدها هم ادامه داشت. حتی در مدرسه‌ای کتابخانه اش را به دقت (عناوینش) بررسی کردم.

ب، رسانه رسمی: چندین برنامه مختلف سه کانال موجود آن زمان در ساعات مختلف (بیشتر از عصر تا آخر شب) را پیگیری و تحلیل کرده، تا محتوای فرهنگی (شخصیتها، داستانها، پیامها و تصاویر) که اشاعه می‌دهند، آشنا بشوم.

ج، رسانه غیر رسمی: در آن ایام در جامعه بیشتر ویدئو مطرح و رایج بود. از این رو، توانستم تعدادی ویدئو فیلمهای مختلف و شوهای ضبط شده و غیره را مشاهده و تحلیل کنم.

د، نهاد خانواده: همزمان با بررسی منابع مطرح شده تلاش شد تا با تعدادی از خانواده‌ها از نزدیک برخورد داشته تا به تأثیر خانواده در جوانان برسیم. این بخش را در فصل اطلاعات جمع‌آوری شده، مفصلاً توضیح خواهیم داد.

البته اذعان دارم که هیچ یک از این بررسیها کامل نبوده و نتایج بدست آمده ملاک اصلی وضعیت موجود هر منبعی نمی‌باشد. ولی به هر جهت بخشی از مطالب و فرهنگ عرضه شده منابع موجود در آن زمان را معرفی می‌کردند.

بررسی جوانان و خانواده آنها (نه همه خانواده‌های جوانان مورد بررسی) همچنان موضوع پژوهشگر بوده، به طوری که محصول کلیه پژوهش‌های مربوط به جوانان سالها بعد، پس از طی مقالات متعدد در مجلات علمی پژوهشی داخلی و خارجی و شرکت در کنفرانس‌های داخلی و خارجی، در قالب کتابی به نام «جوانان و نهادهای اجتماعی» نزد انتشارات جامعه‌شناسان (۱۳۹۲) منتشر شد. بررسی‌های مردم‌نگارانه در مورد خانواده نیز ادامه یافت و منجر به نگارش مقالاتی شد که یکی از آنها در کنفرانسی مطرح و دیگری به شکل خیلی خلاصه در مجله‌ای چاپ شد و بخش‌هایی را به شکل سخنرانی در نشست‌هایی مطرح کردیم. ولی مقاله اصلی به شکل کامل آن، بدون ارائه باقی ماند. خوشبختانه اینگونه روش‌ها و دیدگاه‌های مردم‌نگارانه با تعداد اندکی از افراد جامعه، در جامعه علمی ما آغاز شده است. از جمله، «مردم‌نگاری سفر» نعمت‌ا ... فاضلی (۱۳۹۰) و کتاب نظری پیرامون مردم‌نگاری «پشت دریاها شهری است» از همین نویسنده (۱۳۹۲) از این دست هستند. عباس کاظمی (۱۳۸۷) نیز از این نوع پژوهش‌ها را در پاساژهای تهران انجام داده است. ناصر فکوهی (۱۳۸۹، ب) هم پژوهش‌های زیادی با این روش انجام داده است. لذا پژوهشگر نیز اینگونه پژوهش‌های خود را در قالب کتاب حاضر برای علاقه‌مندان مطالعات خانواده یک جا جمع کرده و در نظر گرفته است، که امید است مورد استفاده علاقه‌مندان واقع بشود.

تهران، تابستان ۱۳۹۳

مرتضی منادی



## مقدمه

از منظر و دیدگاه جامعه‌شناسی زمانی که خانواده‌ها منسجم باشند، یعنی انسجام در کانون خانواده‌ها وجود داشته باشد، نظم در خانواده حاکم است، روابط خوب و نسبتاً مناسب و سالم بین اعضا برقرار شده، سلامت اخلاقی و روانی در فضای خانواده و بین اعضا ایجاد شده، اعضا از حضور در خانواده و در کنار یکدیگر، هم لذت برده، هم باعث تکامل، پیشرفت و رشدشان خواهد شد. ضمن اینکه سلامت روان و روابط سالم بین اعضا خانواده، نظم و انسجام در خانواده را به همراه دارد. یعنی، تعاملی بین این عوامل در درون خانواده وجود دارد. بدنبال آن، از آنجایی که اعضا خانواده در جامعه حضور داشته و به نقش‌های مختلف (آموزش دهنده و دانش آموز، کارگر و کارفرما، کارمند و رئیس، کاسب و مشتری و غیره) مشغول هستند، چگونگی حالات روانی، شخصیتی، هویتی، فرهنگی، دینی و اخلاقی خود را به درون جامعه انتقال داده، لذا به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم یا خواه ناخواه، یا خودآگاه یا ناخودآگاه جامعه را متاثر از چگونگی وضعیت روانی، شخصیت و رفتار و هویت خود خواهند کرد. به این دلیل بسیار مهم، خانواده نقش مهمی در هر جامعه‌ای از جمله در جامعه ما دارد. البته خانواده نیز از نهادهای مختلف اجتماعی تأثیر گرفته و آن تأثیرات را به درون کانون خانواده هدایت و منتقل می‌کنند. به طوری که، در تمام جوامع تعاملی دائمی بین خانواده و نهادهای اجتماعی موجود در جامعه همیشه برقرار است.

خانواده از طرفی، به باور کولی و به نقل از محسنی (۱۳۷۱) اولین آموزشگاه بشری است. خانواده نه تنها مرکز آموزشی بلکه، پناهگاه اعضای خانواده است. یعنی نه تنها ترویج صمیمیت، بلکه وجود امنیت در درون خانواده پیامدهای مثبت داشته و نقش بسزایی بر روی چگونگی اعضای خانواده دارد. در واقع، خانواده هویت فردی، همچنین وضعیت روانی، اجتماعی و فرهنگی افراد را می‌سازد. لذا پرداختن به آن، توجه به آن، پژوهش در مورد آن، نه تنها ضروری بلکه، الزامی است. از طرف دیگر، به باور لوپلی (۱۹۸۹) ساختار و کارکرد خانواده، معرف ساختار و کارکرد جامعه است. از این رو، شناخت خانواده می‌باید و می‌تواند ما را به سمت

شناخت جامعه رهنمون کند. لذا، کافی است که تا ساختار و کارکرد خانواده را به دقت شناسایی کرده تا به ساختار و کارکرد جامعه برسیم. در این حالت است که می‌توان برای جامعه کاری جدی و دقیق و نزدیک به واقعیت و امکان‌پذیر و عملیاتی انجام داد.

اولین گام و نخستین حرکت در ارتباط با هر نهادی از جمله خانواده، با رویکرد جامعه‌شناسی، شناسایی وضعیت موجود آن نهاد است که مثلاً خانواده به چه شکلی است. در واقع، توصیف واقعیت موجود خانواده در جامعه (هر جامعه‌ای) است. دومین گام، شرایط، عوامل و علل رسیدن به وضعیت کنونی (خوب یا بد، سالم یا ناسالم، موفق یا ناموفق، سازگار یا ناسازگار، آرام یا پرتنش) است و در مقام سوم، ارائه راه حل (هایی) منطقی و عملیاتی جهت خروج از مشکلاتی که مشاهده می‌کنیم، و راه‌هایی جهت تسریع در بهبود وضعیت آنانی که در مسیر پیشرفت و سلامت و نظم و انسجام حرکت می‌کنند، می‌باشد. از این رو، بر خلاف باور عمومی کالبد فرهنگی خانواده مهم‌تر از کالبد فیزیکی آن می‌باشد.

در همان مرحله نخست، پرسش‌هایی مطرح هستند. وضعیت فعلی خانواده چگونه است؟ به شکل جزیی‌تر، ازدواج در جامعه فعلی ما چگونه شکل می‌گیرد؟ هر یک از اعضاء خانواده چه جایگاهی در درون خانواده دارند؟ چه نوع ارتباطی بین اعضاء خانواده وجود دارد؟ چه فرهنگی در درون خانواده‌ها جاری و رایج است؟ خانواده‌ها چه نوع فعالیت‌هایی دارند؟ چه اهدافی را خانواده‌ها پی می‌گیرند؟ والدین چه نوع ارتباطی با فرزندان خود دارند؟ خانواده‌ها چه تاثیری بر روی فرزندان دارند؟

این پرسش‌ها بسیار عظیم و کلان و مهم هستند. می‌توان به همه آنها پرداخت. این کار زمان زیادی می‌طلبد، بخصوص اینکه جامعه فعلی ما در یک حالت خاص و گذار از سنت به سمت مدرن شدن (و نه مدرنیته) می‌باشد. این وضعیت خاص به دلایل متعدد، نخست، پشت سرگذاشتن یک انقلاب فرهنگی است. دوم، عصر ارتباطات و جابجایی اطلاعات، ارزش‌ها، هنجارها، رویه‌ها، ذائقه‌ها و فرهنگ‌ها (یا سبک زندگی) را به دنبال داشته است. لذا، تحولات در همه نهادها، در همه افراد جامعه، از جمله در خانواده‌ها در جریان است. تشابه‌ها، تفاوت‌ها، اختلاف‌ها و تضادها هم در درون خانواده‌ها و هم در ارتباط با نهادهای دیگر اجتماعی در حال خودنمایی است. سنت‌ها، هم مورد ستایش، هم مورد بازبینی و هم مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفته‌اند. مدرنیزاسیون (تجدد) هم مورد تقبیح، هم مورد تحسین می‌باشد. هر یک از حالت‌ها



طرفدارانی را با شدت وصف ناپذیر به گرد خود جمع کرده است. بنابراین، همزمان حمایت‌ها، مقاومت‌ها، صف آرایی‌ها و مبارزه‌ها در جریان و جاری است.

این وضعیت، یعنی همکاری، رودررویی، تنش، چالش و مبارزه، پیامدهایی را بدنبال دارد. عده‌ای را به فکر انداخته است. عده‌ای بخصوص فرزندان که در موقعیت‌های میان فرهنگی<sup>۳</sup> قرار دارند دچار شک، اضطراب، دلهره و نهایتاً بهم ریختگی یا بعضاً بحران سوق می‌دهد (منادی، ۱۳۸۴) منظور از میان فرهنگی، موقعیتی است که فرد در مقابل و در تعامل با دو یا چند فرهنگ متفاوت قرار می‌گیرد. (هس و ولف، ۱۹۹۹) برای مثال، در خانواده‌ای که هم تلویزیون جمهوری اسلامی با معرفی فرهنگی اسلامی وجود دارد و هم ماهواره با فرهنگی غربی که متفاوت یا بعضاً متضاد با فرهنگ ارائه شده در تلویزیون جمهوری اسلامی است، برای فرزندان تولید دوگانگی و سردرگمی و یا حتی بهم ریختگی روانی می‌شود. در این حالت، موقعیت میان فرهنگی برای افراد جامعه یا فرزندان بوجود می‌آید. عده‌ای با این وضعیت متفاوت کنار آمده و به فراخور حال، رفتاری مشابه آن موقعیت انجام می‌دهند که برای جامعه اینگونه رفتارهای دوگانه مفید نیست. عده‌ای هم یکی از این سبک‌ها را برگزیده که در صورت مغایرت با فرهنگ جاری جامعه در درازمدت می‌تواند فرهنگ جامعه را به چالش‌های جدی بکشانند.

بدین ترتیب، خانواده روز به روز مهم تر، تاثیرگذارتر (چه مثبت یا منفی) می‌باشد. به باور کلاین برگ "فرد چه به نحو مثبت و در جهتی که گروه مورد قبول نشان می‌دهد رفتار کند و چه به نحو منفی یعنی نظر به اینکه گروه مذکور را قبول ندارد در راهی خلاف راه و رسم گروه گام بر دارد. در هر دو حال رفتار او پیوسته معلول علتی اجتماعی است. حتی هنگامی که بر طبق اوضاع و احوال موجود و واقعی و طبق ذوق کردار دیگران واکنش نکند." (کلاین برگ، ۱۳۷۲: ۲۱) در نتیجه، پرداختن به خانواده همیشه و بخصوص در زمان حاضر ضروری تر و با اهمیت تر می‌شود. بخصوص در حال حاضر هم ازدواج‌ها کم تر شده، هم طلاق‌ها افزایش یافته، و هم اختلاف نسلی یا گسست نسلی بین تعدادی از اعضای خانواده‌ها (والدین و فرزندان) بوجود آمده است، پرداختن به خانواده را ضروری تر کرده است.

---

<sup>۳</sup> Interculturalité

هدف پژوهشگر پرداختن به این نهاد عظیم اجتماعی و تأثیر گذار بر فرزندان، آینده سازان جامعه است که به روش کیفی با ابزار مردم نگاری و تلاش در جهت فهم موضوع در حد توان بوده است.

هر چند تعداد محدودی خانواده در این پژوهش مورد کالبد شکافی عمیق قرار گرفته‌اند، ولی طرح این مطالب از منظر کیفی می‌تواند نمونه‌ای باشد تا محققان جوان جامعه به شکل عمیق تر (و حتی با روش کمی) و در شهرهای دیگر، خانواده‌های بیشتری را مورد پژوهش و کالبد شکافی قرار بدهند. تا بدین وسیله، هم شناخت دقیق تر و عمیق تر نسبت به خانواده‌های ایرانی یافته، و هم نکات مثبتی که در فرهنگ خانواده‌ها وجود دارد شناسایی شده، و هم معایب و مشکلاتی که در کانون خانواده‌ها دیده می‌شود و وجود دارند، شناسایی شده و در مجموع برای برنامه ریزان جامعه و دست اندرکاران اطلاعات دقیقی مهیا شود، تا آنان بهتر و منطقی تر و عملیاتی تر بتوانند برنامه ریزی بکنند. از این طریق، و با این اطلاعات وضعیت خانواده‌ها و به طبع آنها وضعیت جامعه مستحکم تر به سمت پیشرفت مطمئن حرکت بکنند.

کتاب پیش رو، با روش نوین، به این معنی که این نوع روش پژوهش (مردم نگاری) در جامعه ما رواج ندارد، انجام شده است. در حالی که، این روش در غرب بسیار مرسوم است. و بی حساب نیست که غربی‌ها از این طریق هم به شناخت خوبی نسبت به جامعه خود و هم جوامع دیگر پیدا می‌کنند و هم در مواقعی به نظریه جدید دست می‌یابند. در این راستا خوانندگان را به خواندن کتاب زیبای شرق شناسی ادوارد سعید (۱۳۸۳) دعوت می‌کنم که شناخت غربی‌ها را از جامعه شرق به نمایش می‌گذارد.

بدون شک این کتاب نواقصی را در بر داشته که با آغوش باز آماده پذیرش نقدهای عالمانه اتان هستم تا در چاپ‌های بعدی به آنها پردازیم.

پیشاپیش از دست اندرکاران انتشارات آوای نور که در این دوران پایین بودن میزان مطالعه در جامعه علیرغم افزایش روز افزون دانشجویان بخصوص که نیمی از آنان در عرصه‌های علوم انسانی هستند، اقدام به چاپ کتاب حاضر نمودند سپاسگزارم و آرزوی توفیق ایشان را از درگاه خداوند متعال خواهانم.